

بررسی نقش و اهمیت مجموعه آرامگاهی شیخ احمد جامی در روند تحولات شهرسازی شهر تاریخی تربت جام (از دوره‌ی سلجوقی تا اواخر دوره‌ی پهلوی)

علی زارعی*

azareie@birjand.ac.ir

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تهران و عضو هیأت علمی دانشگاه بیرجند

هایده لاله

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۶/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۱۵

(از ص ۱۷۳ تا ۱۹۲)

چکیده

در روند شکل‌یابی و رشد فضاهای شهری، باید نقش و کارکرد فضاهای آرامگاهی و مشاهد مختلف، چون مزارهای اولیا و رهبران سرشناس دینی را مورد توجه قرار داد. تاریخ شکل‌گیری «تربت‌جام» امروزی که روستای «معدآباد» هسته‌ی اولیه آن بود، به حدود قرن پنجم هـ.ق. باز می‌گردد. با این تغییرات، شهر «بوزجان» در «ولایت جام» که تا قبل از این، از شهرهای مهم قرون اولیه‌ی اسلامی بود، از رونق افتاد و تربت‌جام به‌عنوان دارالحکومه، مرکزیت خود را به‌دست آورد. فرآیند توسعه‌ی کالبدی-فضایی مجموعه‌ی شیخ جام و به‌تبع آن تربت‌جام، از دوره‌ی «ملوک‌کرت» فراهم گردید و به‌تدریج شهری مهم از درون روستایی کوچک، متولد شد و به‌ویژه از دوره‌ی ایلخانی تا اواخر تیموری، در پرتو نقش مذهبی و سیاسی خود، در تمام زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، ارتباطی و فرهنگی، با شتاب روبه‌توسعه نهاد. در مطالعه‌ی حاضر، موضوع علل بروز تغییرات در الگوی کالبدی و شکلی شهر تربت‌جام از آغاز شکل‌گیری آن، با عنایت به دو دسته‌ی «عوامل بیرونی» (حکومت، اراده‌ی نخبگان سیاسی-اداری شهری) و «عوامل درونی» (رشد مناسبات اقتصادی و اجتماعی و مذهبی) تا اواخر حکومت پهلوی، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. روش پژوهش، منطبق بر روش‌های توصیفی-تحلیلی و روش تحلیل تاریخی، به‌صورت مطالعه‌ی اسنادی و کتابخانه‌ای، مبتنی بر بررسی منابع مکتوب، به‌ویژه متون تاریخی و جغرافیایی و تطبیق عکس‌های هوایی و نقشه‌های موجود و فعالیت‌های میدانی در بافت کهن شهری می‌باشد. بر این اساس، با تکیه بر مهم‌ترین عوامل مؤثر در فرآیند گسترش شهر جام، یعنی حضور «شیخ احمد جام» در روستای معدآباد، موقعیت طبیعی و اقلیمی منطقه و محور ارتباطی-مواصلاتی آن، با شهرها و مناطق همجوار، هسته‌ی اولیه شهر و محدوده‌ی آن، با توجه به مستندات موجود در طی ادوار مختلف تاریخی تعیین گردید و شهر جام، به اوج توسعه و رونق خود در دوره‌ی تیموری و پهلوی، دست یافت.

کلیدواژه‌گان: تربت‌جام، معدآباد، احمد جام، تیموری، پهلوی.

مقدمه

در روند شکل‌یابی و رشد فضاهای شهری، باید نقش و کارکرد فضاهای آرامگاهی و مشاهد مختلف، چون مزارهای اولیا و رهبران سرشناس دینی را مورد توجه قرار داد. وجود مجموعه‌ی زیارتگاهی در یک شهر، موجب جذب و اقامت معتقدان، تردد زائران و مسافران می‌گردد که در نتیجه‌ی آن، جمعیت شهر افزون شده، کسب و کار رونق می‌یافت. برخی از ارادتمندان و معتقدان شخصیت‌های مزبور، بر آن می‌شدند تا به‌منظور افزایش رونق و شکوه و اعتبار، آن‌گونه فضاهای معنوی، تأسیسات شهری-فرهنگی عام‌المنفعه‌ای را در پیرامون آن مجموعه‌ها احداث نمایند. جریان احداث مقابر بزرگان طریقت و رهبران دینی، به‌سرعت، به‌یک «مجموعه‌ی شهری» تبدیل می‌شد؛ چراکه برای تأمین نیازهای مسافران و زیارت‌کنندگان و نیز کسانی که در مجاورت این قبور و مشاهد، اقامت می‌گزیدند، تأسیساتی مورد نیاز بود که هزینه‌های ساخت و نگهداری و ارائه خدمات آن نیز، از طریق موقوفات مشاهد، تأمین می‌شد (سلطان‌زاده، ۱۳۷۷: ۴۵-۴۴)؛ در نتیجه‌ی این فرآیند، مجموعه‌ی کالبدی جدیدی ظاهر می‌گردد که به‌سهم خود، در تغییر کالبد شهری و کارکردهای آن منطقه از شهر، نقش ایفا می‌کرد. همچنین است، تأثیری که بنیادگذاری یک خانقاه که توأم با اقامت و فعالیت صوفیان در آن بود، تأثیری مشابه در روند گسترش و تغییرات شکلی شهرها در پی داشت. شهر تربت‌جام، در استان خراسان رضوی که نام کنونی خود را از -تربت شیخ احمد جام- وام گرفته است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۶۴۸)، نمونه‌ی بارزی از ظهور چنین تغییراتی در شکل شهرهای ایران به‌شمار می‌روند. در دوره‌ی اسلامی، تربت‌جام، به‌دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و برخورداری از شرایط مطلوب محیطی، در میانه‌ی راه‌های مواصلاتی-شهرهای عمده‌ی خراسان بزرگ- قرار گرفته بود؛ از سویی، بین دو شهر هرات و نیشابور، قرار گرفته بود و از سوی دیگر، با شهرهای سرخس، توس و ناحیه بادغیس، هم‌جوار بوده است؛ لذا همواره از لحاظ نظامی، اقتصادی و فرهنگی، یکی از نقاط بسیار با اهمیت محسوب می‌شده است (نقشه ۱). بنابراین، عمده‌ترین عوامل مؤثر در شکل‌گیری و گسترش تربت‌جام راه، می‌توان به‌شرح ذیل بیان نمود.

الف- جغرافیای طبیعی منطقه: برخورداری از منابع آبی غنی سطحی و

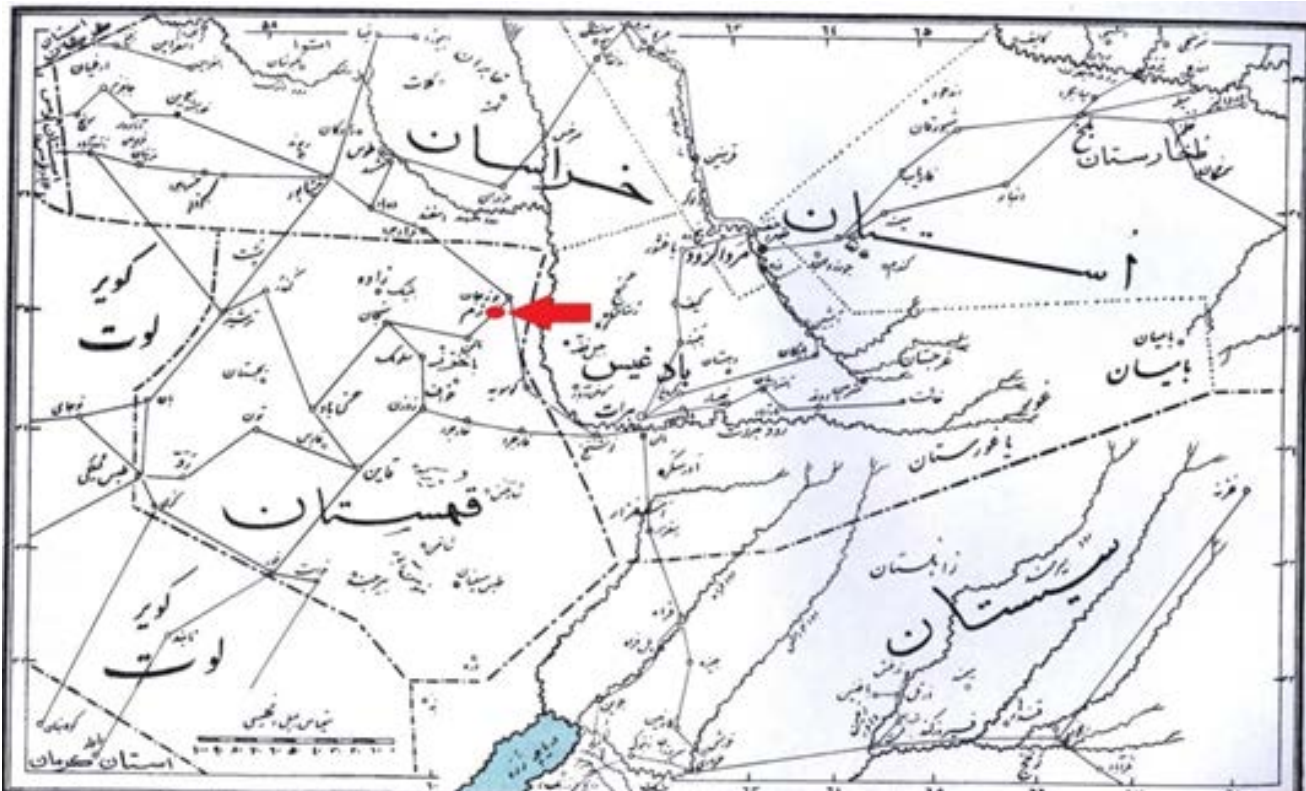
زیرزمینی، به‌ویژه رودخانه‌ی جامرود، قنات و زمین‌های حاصلخیز.

ب- شبکه راه‌های ارتباطی: شهر تربت‌جام، از دیرباز دارای اهمیت ارتباطی

بوده و یکی از نقاط گلوگاهی در مسیر تجاری ایران-هندوستان، به‌شمار می‌رفته است. به استناد منابع مکتوب، تربت‌جام، چهارراه تالاقی شاهراه‌های تجاری و نظامی شرق، غرب، شمال و جنوب بوده است؛ زیرا، جام، از طرفی، بر سر راه: ری، قومس، نیشابور، هرات و خاور دور؛ و از سوی دیگر، بر راه: زرنج و قهستان به سرخس، نسا، مرو و بخارا، قرار داشته و از نظر ارتباطی در طول تاریخ از رونق و اهمیت خاصی برخوردار بوده است (صابر مقدم، ۱۳۸۳: ۱۵).

ج- سکونت و مدفن شیخ احمد جام: در نتیجه‌ی نفوذ عرفانی و معنوی

شیخ احمد جام، در دوره‌ی سلجوقی و در روستای معدآباد، -به‌عنوان هسته‌ی اولیه شکل‌گیری تربت‌جام- سلاطین این عصر، چون سلطان سنجر، امرا و بزرگان، در همین روستا به ملاقات وی، می‌رفتند (غزنوی، ۱۳۸۸: ۵۶) و پس از فوت و تدفین



▲ نقشه ۱. موقعیت جغرافیایی تربت‌جام در نقشه‌ی خراسان بزرگ (لسترنج، ۱۳۹۰: ۹-۳۷۸).

ایشان در همین روستا، زمینه‌ی ارادت به شخصیت عرفانی شیخ، فراهم گردید. رابطه‌ی خویشاوندی و نفوذ مذهبی خاندان شیخ با سلاطین و بزرگان ادوار بعدی، به‌ویژه -حاکمان آل کرت- در دوره‌ی ایلخانی (حافظ‌ابرو، ۱۳۸۹: ۱۱؛ سیفی‌هروی، ۱۳۸۳: ۲۰۴) و سلاطین تیموری (یزدی، ۱۳۸۷: ۲، ۹۹۵؛ خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۶۵؛ سمرقندی، ۱۳۸۳: ۳-۵۰)، سبب رونق و آبادی بیشتر تربت‌جام گردید و این عوامل به شکل‌گیری و توسعه‌ی مجموعه‌ی معماری آرامگاهی پیرامون مقبره‌ی شیخ جام کمک نمود. هدف عمده از این پژوهش، پاسخ‌گویی به سؤالات پیش‌رو می‌باشد: الف- هسته‌ی اولیه شهر تربت‌جام کجا بوده است؟ ب- مهم‌ترین عامل گسترش شهر چه بوده است؟ ج- بیشترین روند گسترش شهر در چه دوره‌هایی اتفاق افتاده است؟ جهت پاسخ‌گویی به سؤالات فوق، فرضیه‌های ذیل را می‌توان مطرح نمود: الف- در نتیجه‌ی حملات مغولان به شهر بوزجان (حاکم‌نشین ولایت جام در عصر سلجوقی)، روستای معدآباد در جبهه‌ی شمال‌شرقی، شهر فعلی تربت‌جام اهمیت می‌یابد. ب- ورود شخصیت عرفانی شیخ احمد جام، به روستای معدآباد و دفن وی، در آن طی سده‌های پنجم و ششم هـ.ق، زمینه‌ی گسترش بیش از پیش تربت‌جام را به سمت شرق و جنوب فراهم نمود. ج- تربت‌جام، در دوره‌ی ایلخانی رشد خود را آغاز نمود و طی فراز و نشیب‌های تاریخی، در دوره‌ی تیموری و پهلوی، به‌نهایت توسعه‌ی خود رسید.

روش پژوهش

از آن‌جایی که هدف از پژوهش حاضر، شناخت و بررسی تاریخ شکل‌گیری و روند تحول

و گسترش شهر تربت‌جام می‌باشد، روش پژوهش منطبق بر روش‌های توصیفی-تحلیلی و روش تحلیل تاریخی، به صورت مطالعه‌ی اسنادی و کتابخانه‌ای مبتنی بر بررسی منابع مکتوب، به‌ویژه متون تاریخی و جغرافیایی و تطبیق عکس‌های هوایی و نقشه‌های موجود و مطالعات میدانی است. حدود تقریبی شهر، از دوره‌ی سلجوقی تا قاجاریه، براساس شواهد باستان‌شناسی و منابع مکتوب در نظر گرفته شده است، ولی محدوده‌ی دقیق شهر در دوره‌ی پهلوی، با توجه به نقشه‌های سال‌های ۱۳۲۷ ه.ش. به بعد و نیز، عکس‌های هوایی ۱۳۳۵ و ۱۳۴۸ ه.ش. و انطباق نقشه‌های قدیمی با طرح جامع شهری مربوط به سال ۱۳۸۴ ه.ش.، تعیین و مشخص گردیده است. اسناد و مدارک موجود، نقش مهمی در ارائه‌ی تصویری قابل اعتماد از روند شکل‌گیری و گسترش شهر جام با تعیین الگوهای مکانی و زمانی، به‌دست می‌دهد. با مقایسه و مطالعه نمودن عکس و تصاویر هوایی موجود و انطباق آنها با یکدیگر، روند توسعه‌ی تدریجی و احتمالی شهر تربت‌جام مشخص می‌گردد.

پیشینه‌ی پژوهش

از پیشینه‌ی تاریخی ولایت جام تا قبل از اسلام، اطلاعاتی در دست نیست. مورخین و جغرافی‌دانان مسلمان، هر کدام به‌نحو مطلوبی به‌ذکر تاریخ و اوضاع جغرافیایی جام پرداخته‌اند که در این زمینه، از اهمیت شایان توجهی برخوردارند. در این بین، می‌توان به: «یعقوبی»، «ابن‌رسته»، «ابن‌حوقل»، «اصطخری»، «مقدسی»، «فصیح خوافی»، «حافظ‌ابرو»، «خواندمیر»، «درویش علی بوزجانی»، «سیفی هروی»، «اسفزاری»، «حمدالله مستوفی»، «شرف‌الدین علی یزدی»، «اعتمادالسلطنه» و ... اشاره کرد.

جهانگردان و سیاحان خارجی نیز، در بازدیدهای خود به اهمیت شهر تربت‌جام پرداخته‌اند و در این بین، می‌توان به: «مک گرگر»، «ییت»، «خانیکف»، «کاپیتان مارش» و ... را، ذکر نمود؛ لذا، با درک این موضوع، می‌توان گفت تاکنون هیچ‌گونه پژوهش مستقلی پیرامون اهمیت و توسعه‌ی شهر تربت‌جام که گسترش خود را مدیون حضور شیخ‌جام، در این شهر می‌باشد، انجام نگرفته است و بیشترین تمرکز محققین داخلی و خارجی پیرامون شخصیت شیخ جام و مجموعه‌ی به‌جای مانده متعلق به اوست. محققین خارجی، چون: «دیز»، «پوپ»، «ویلبِر»، «او کین» و «گلمبک»، هر کدام پیرامون مجموعه‌ی شیخ جام، مطالعاتی را انجام داده‌اند. سهم محققین داخلی نیز، چون: «عبدالحمید مولوی»، «دانش دوست»، «صابر مقدم» و سایرین نیز، بیشتر متوجه مجموعه بوده است. این پژوهش، به‌دنبال این است تا ضمن مطالعه و بهره‌برداری از منابع مطالعاتی مذکور و با انجام مطالعه‌ای همه‌جانبه پیرامون شهر تربت‌جام براساس منابع تاریخی، شواهد باستان‌شناسی و اطلاعات حاصل از تفسیر عکس‌های هوایی، فقدان اطلاعات پیرامون بافت و حیات شهری و روند توسعه‌ی آن را جبران نماید.

جغرافیای تاریخی تربت‌جام

در مطالعه‌ی جغرافیای تاریخی تربت‌جام، باید اذعان نمود که نمی‌توان آن را

به‌عنوان نقطه‌ای به‌نام «تربت‌جام» در تاریخ مورد نظر داشت، بلکه به‌ناچار، باید این محدوده‌ی نسبتاً کوچک را، در ارتباط با مراکزی که در دوره‌های مختلف تاریخی تابع آن‌ها بوده است، مورد مطالعه قرار داد.

جام، نخست به‌عنوان «رستاق» (ولایت)، سپس «ناحیه» و «ولایت»، در کتاب‌های جغرافیایونویسان ضبط شده است (خسروی، ۱۳۷۵، ج ۶: ۸۲۹). «ابوالفدا»، جغرافی‌دان قرن هشتم هـ.ق، جام را قصبه‌ای از نواحی نیشابور و آن را «مغرب زام» دانسته است (ابوالفدا، ۱۳۴۹: ۵۱۰). یاقوت حموی، مورخ و جغرافی‌دان قرن هفتم هـ.ق، دلیل نام‌گذاری آن ولایت را به «جام» یا «زام»: «از آتش بدین نام خوانند که گرد و سبز فام است، همچون جام شیشه»، ذکر می‌نماید (حموی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۶۰۹). ابن‌رسته و «ابن‌فقیه»، زام- را از کوره‌های نیشابور یاد کرده و آن را از شهرهای نیشابور به‌شمار آورده‌اند (ابن‌رسته، ۱۸۹۲: ۱۷۱؛ ابن‌فقیه، ۱۴۱۶: ۶۱۱). مقدسی، در اواخر قرن چهارم هـ.ق، جام، باخرز، خواف، زاوه- را از رستاق‌های نیشابور و بوزجان- را -مرکز ولایت جام- ذکر نموده است (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۴۳۶)؛ احتمالاً، قصد ابن‌رسته و ابن‌فقیه، از شهر زام، همان -مرکز رستاق زام- بوزجان یا بوزگان، بوده است؛ چون در هیچ زمانی، شهری به‌نام زام- یا جام- وجود نداشته است.

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، آن‌چه مورخین و جغرافی‌دانان قرون اولیه‌ی اسلامی در مورد زام- یا جام- مطالبی را نقل نموده‌اند، منظور همان ناحیه و ولایت جام، به‌وسعت شهرستان امروزی تربت‌جام می‌باشد که حاکم‌نشین آن شهر بوزجان بوده است؛ لذا با درک این موضوع، چنان‌چه قصد پرداختن به تاریخ و جغرافیای شهر تربت‌جام امروزی باشد، ناگزیر باید زمانی را در نظر گرفت که شیخ احمد جام، طی قرون پنجم و ششم هـ.ق، ده معدآباد، -از دهات توابع ولایت جام- را به‌عنوان محل سکونت و تبلیغ خویش انتخاب نمود و نهایتاً در همان‌جا به خاک سپرده شد. برخلاف آن‌چه تاکنون بیان شده که ده معدآباد، جایگزین شهری به‌نام جام شده است (احمدجام، ۱۳۴۷: مقدمه، ۱۰)، چنین می‌توان گفت که تاکنون هیچ نشانه‌ای از بقایای شهر جام در کشفیات باستان‌شناسی و متون تاریخی، به‌طور مشخص به‌دست نیامده و در زمان سکونت شیخ جام، در روستای معدآباد هم، اثری از شهر جام نیز، دیده نمی‌شود؛ لذا با این‌وجود، روستای معدآباد در روند گسترش خود از روستا به شهر، تحولاتی را پشت سر نهاد و از دوره‌ی ایلخانی به بعد، سیمای شهری به‌خود گرفت که در متون تاریخی بدان پرداخته شده است و بعد از این‌که شهر بوزجان رونق خود را از دست داد، جایگزین آن گردید.

سلطین آل کرت (۷۸۳-۶۴۳ هـ.ق.) نیز، در شرق ایران به مرکزیت هرات، به حکمرانی خود تحت‌نظر ایلخانان مغول، ادامه دادند و روابط حسنه‌ای با فرزندان شیخ‌جام داشتند و در ساختن بسیاری از بخش‌های مزار شیخ جام، نقش ایفاء کردند که آثار و شواهد آن به‌خوبی پیداست (مولوی، ۱۳۵۴، ج ۱: ۳۵-۳۳). به‌طور مثال، «ملک شمس‌الدین کرت»، در جام، کاریز و سایر ولایات خراسان، نقش فعالی در احداث بقاع خیریه و بناهای دیگر زیادی ایفا نمود (خواندمیر، ۱۳۳۳، ج ۳: ۳۸۰). منابع تاریخی و جغرافی‌نیز، به رشد و رونق نسبی شهر جام در این دوره پرداخته‌اند و به آبادانی آن صحنه می‌گذارند. از قرن هشتم هـ.ق. نویسندگان، از جام به‌عنوان «شهر»

یاد کرده‌اند. مستوفی، در قرن هشتم هـ.ق. درباره‌ی آن نوشته: «شهری وسطست و قریب دویست پاره دبه از توابع آن جاست. باغستان بسیار و میوه بی‌شمار دارد و آب شهر و ولایت مجموع از قنوات است و از مزار اکابر تربت زنده پیل احمد جام، آن جاست» (مستوفی، ۱۳۸۱: ۲۱۸). «ابن بطوطه»، سیاح قرن هشتم هـ.ق. نیز، به‌طور مفصل‌تری به توصیف تربت‌جام پرداخته و شهر جام را، شهری متوسط و زیبا با باغ‌ها، درختان، نهرها و چشمه‌های فراوان که در آن ابریشم زیاد تولید می‌گردد، یاد کرده است (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۴۶۸).

در دوره‌ی تیموریان، به‌دلیل مرکزیت یافتن شهر هرات، سایر شهرهای خراسان نیز، رونق پیدا کرد. تیمور و فرزندانش، نسبت به اولاد و احفاد شیخ احمد جام، با احترام رفتار می‌کردند و بارها به تربت‌جام و زیارت مزار شیخ جام رفتند. فعالیت‌های عمرانی صورت گرفته در شهر و مجموعه‌ی شیخ، بیانگر رونق و آبادانی تربت‌جام در این دوره می‌باشد (یزدی، ۱۳۸۷: ۲، ۹۹۵؛ خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۶۵؛ سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۳: ۵۰؛ مولوی، ۱۳۵۴، ج ۱: ۶۴-۳۰). توجه عمده‌ای که در جهت رونق و آبادانی تربت‌جام در دوره‌ی تیموری حاصل گشته بود، در ادوار بعدی روبه زوال و فراموشی نهاده شد. حافظ‌ابرو، مورخ و جغرافی‌دان قرن نهم هـ.ق.، در این دوره، جام را از توابع هرات و حد شرقی آن را فوشنج، کوسویه و بادغیس، حد غربی آن را نیشابور، حد شمالی آن را طوس و مشهد، و حد جنوبی آن را ولایت باخرز بیان کرده است که آب آن از رود و قنات بود و درباره‌ی آن چنین نوشته است: «بوزجان: قصبه‌ای ست و حصارى دارد. معدآباد حصارى دارد. تربت که مزار شیخ است، بازاری دارد ... بیرون از آن چه ذکر کرده شد قریب دویست مزرعه باشد که از توابع جام است» (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۰: ۲۷). آن چه که از مطلب مذکور می‌توان نتیجه گرفت، این است که شهر بوزجان، به‌طور کامل تحت‌نفوذ شهر جام قرار گرفته و روستای معدآباد جزئی از این شهر جدید گردیده است.

در دوره‌ی صفویه که ایران از جانب شرق با حملات ازبکان، روبه‌رو گردید، تربت‌جام شاهد نبردهای پیاپی شاهان صفوی با ازبکان بود و مورد تاخت و تازهای آنان قرار گرفت (افوشته‌ای نظری، ۱۳۷۳: ۱۳-۱۲؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۱۳، ج ۴: ۱۹۹۱؛ وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۴-۲۸۳). در دوره‌ی قاجار نیز، تاخت‌وتاز ترکمن‌ها، به شرق ایران ادامه یافت و در نتیجه‌ی آن آسیب زیادی متوجه شهر تربت‌جام گردید (هدایت، ۱۳۷۳: ۳۹۶، ۴۰۲ و ۴۱۹)؛ از دیگر سو، برای سرکوب سرکشی‌های حکام هرات، لشکریان متعددی از جانب دولت مرکزی، از این منطقه عبور کردند و شهر در مسیر عبور و مرور نیروهای نظامی واقع شده بود (خاوری‌شیرازی، ۱۳۸۰: ۴۴۲). منابع این دوره، سیمای کلی در حال زوال تربت‌جام را به‌خوبی ثبت نموده‌اند.

مولف *بستان‌السیاحه*، در قرن سیزدهم هـ.ق.، تربت‌جام را شهری متوسط که به‌مرور زمان روبه خرابی نهاده و برخوردار از هزار باب خانه و دویست قریه بوده، بیان نموده است (شیروانی، ۱۳۳۹، ج ۱: ۲۲۸). اعتمادالسلطنه، تصویر روشن‌تری از وضعیت تربت‌جام ثبت کرده و سکنه‌ی آن را قدیم النسق و سیصد خانوار ذکر نموده است که این مسأله بیانگر کاهش شدید جمعیت می‌باشد. مهم‌ترین نکته در مطالب اعتمادالسلطنه، اشاره به قلاع متعدد آن است. وی، تربت را دارالحکومه‌ی جام معرفی نموده و درباره‌ی قلعه‌ی قدیم آن، نوشته است: «نزدیک به مزار است، در هفتصد

سال قبل ساخته شده، حال خراب است» که اشاره به حصار معدآباد به عنوان هسته‌ی اولیه شهر دارد؛ زیرا، علاوه بر آن به قلعه‌ی جدید نیز، به‌طور دقیق اشاره کرده و نوشته: «حال، آباد و محل حکومت است، به فاصله هزار قدم از مزار دور است. در سنه‌ی هزار و دویست و ده، ساخته شده» است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۹۸۲ و ۱۹۸۵). قلعه‌ی اخیرالذکر که در دوره‌ی تسلط قاجارها و زمان آقا محمد خان، ساخته شده که در همه‌ی منابع متأخر به اشتباه، هسته‌ی اولیه شهر قلمداد نموده‌اند. «رکن‌الدوله»، که در سال ۱۲۹۹ هـ.ق. جهت سرکشی به سرخس و تربت‌جام رفته بود، مختصراً به توصیف قلعه‌ی قاجاری شهر پرداخته و آن‌را در کمال استحکام و آبادانی معرفی نموده است که دارالحکومه‌ی جام بود و عمارت حکومتی در داخل قلعه قرار داشت؛ علاوه بر آن، چند باب دکان هم در داخل وجود داشت و در خارج قلعه، باغات میوه و انگور بسیار بود و ابریشم در آن‌جا به‌عمل می‌آمد. یکی دیگر از بناهای مورد اشاره‌ی رکن‌الدوله، کاروانسرای آجری قدیمی در خارج قلعه است که نزدیک به انهدام بود (رکن‌الدوله، ۲۵۳۶: ۱۰۰)

مستشرقانی چون «خانیکف» روسی (۱۸۵۹-۱۸۵۸ م.)، در ضمن اقامت خود در تربت‌جام، علاوه بر توصیف راه‌های عریض و خوب به‌نفوذ خاندان احمد جام، اشاره نموده است (خانیکف، ۱۳۷۵: ۱۲۸). «کلنل بیت» انگلیسی (۱۸۹۷-۱۸۹۳ م.)، به‌شرح مختصری از وضعیت شهر پرداخته و به این نکته اشاره کرده که شهر جام، دوره‌ای از ویرانی را پشت سر گذاشته و به‌صورت دهکده‌ای درآمد است که کلاً دویست و پنجاه خانوار در آن زندگی می‌کنند. این ساکنین، در درون قلعه‌ای که به‌وسیله دیوارهای گلی محصور بود و در اطراف آن، باغ‌های متعددی فراگرفته بود، زندگی می‌کردند. مرقد شیخ جام نیز، در قسمت شرقی این قلعه قرار داشت (بیت، ۱۳۶۵: ۳۷). «گابریل» اتریشی، در سفر خود به ایران (۱۹۳۳ م.) تربت را شهری با بازار بزرگ معرفی نموده که جمعیت آن بالغ بر ۴۰۰۰ نفر بوده است. قسمت اعظم جمعیت آن‌را، سنی‌های افغانی از دو طایفه‌ی تیموری و هزاره، تشکیل می‌دادند که زمانی از شرق مهاجرت کرده‌اند (گابریل، ۱۳۷۱: ۲۳۰).

خوشبختانه، علاوه بر منابع مکتوب که اطلاعات ارزشمندی در این مورد در اختیار ما قرار می‌دهند، کاوش‌های باستان‌شناسی انجام شده طی سالیان اخیر در پیرامون مجموعه‌ی آرامگاهی شیخ جام، مکان‌یابی هسته‌ی اولیه شکل‌گیری شهر تربت‌جام را روشن‌تر ساخته است. سفال‌های به‌دست آمده از داخل مجموعه و محوطه‌ی پیرامون مقبره‌ی «خواجه عزیزالله»، در جانب جنوب شرقی مجموعه شیخ جام، در طیف گسترده‌ای از قرن ۵ تا ۱۱ هـ.ق. را شامل می‌شوند (طغرایبی ۱۳۸۲؛ ۱۳۹۰)؛ علاوه بر آن، فعالیت‌های معماری و وجود کتیبه‌های متعدد تاریخی در مجموعه‌ی تاریخی شیخ جام، بیانگر تداوم بدون انقطاع حیات شهری شهر، -باوجود حوادث مختلف تاریخی که بر آن گذشته است- طی دوره‌های سلجوقی تا عصر حاضر می‌باشد.

روند تحولات شهرسازی شهر تاریخی تربت‌جام

شناخت سیر تحولات شهری تربت‌جام تا قبل از دوره‌ی پهلوی، مشکل به‌نظر

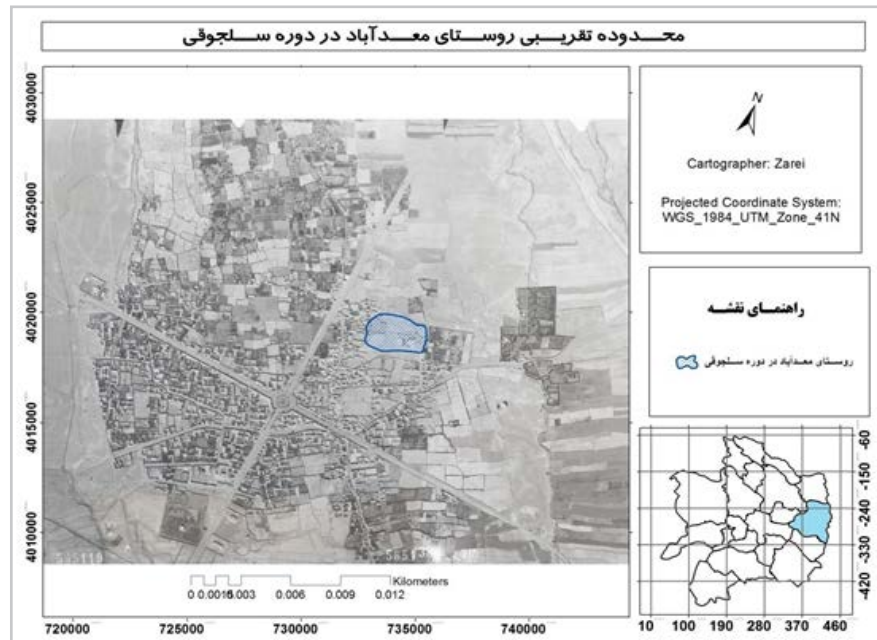
می‌رسد. عدم اطلاع از وجود نقشه‌های مربوط به قبل از این دوره و نیز، کمبود اطلاعات حاصل از منابع مکتوب تاریخی و کشفیات باستان‌شناسی و نیز، قلت و یا حتی عدم آثار و شواهد معماری مربوط به قبل از دوره قاجاری، مزید بر علت گردیده است. از آنجایی که مبنای مطالعات در این پژوهش، مشخص نمودن رشد تاریخی-کالبدی تربت‌جام می‌باشد؛ لذا برای این منظور، از شواهد و مدارک پیش‌رو استفاده شده است: ۱- منابع مکتوب و مدارک باستان‌شناسی؛ ۲- قدیمی‌ترین نقشه‌ها متعلق به سال ۱۳۲۷ هـ.ق. و عکس‌های هوایی موجود از شهر، مربوط به سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۴۸ هـ.ش. می‌باشد؛ ۳- آخرین نقشه‌ی جامع شهری تربت‌جام مربوط به سال ۱۳۸۴ هـ.ش. که در بردارنده‌ی آخرین تغییر و تحولات شهری عصر حاضر می‌باشد.

الف- دوره‌ی سلجوقی تا اواخر تیموری

ده معدآباد، در دوره سلجوقی، به‌عنوان هسته‌ی اولیه شهر، در بخش شمال شرقی تربت‌جام امروزی، واقع شده و در آن دوره، از دهات و آبادی‌های بی‌نام و نشان ناحیه‌ی جام، در فاصله هجده کیلومتری شهر بوزجان بوده است. این محدوده که به‌عبارتی، می‌توان مجموعه شیخ جام را کانون و نقطه‌ی مرکزی آن قلمداد نمود، در محدوده‌ی امروزی، بین خیابان‌های والفجر در سمت شمال و شرق؛ خیابان میرقوام‌الدین در جنوب؛ و خیابان جامی در جبهه‌ی غربی، قرار گرفته بود (نقشه ۲). با ورود شیخ جام در عصر سلجوقی به ده مذکور و در نتیجه‌ی آمد و شد-مربدان و ارتباط شیخ با سلاطین و بزرگان عصر سلجوقی، معدآباد به تدریج گسترش یافت. از پیشینه‌ی تاریخی معدآباد در زمان سکونت شیخ، اطلاع کمی در دست هست. معدآباد جام، به‌وسطه‌ی قلعه‌ای محصور و برخوردار از برج‌وبارو و دروازه بوده (غزنوی، ۱۳۸۸: ۲۹۵) و توسط شیخ جام، در آن‌جا خانقاه و مسجد جامعی (همان: ۵۶) بنیان نهاده شد و توسط بزرگ ده (بوزجانی، ۱۳۴۵: ۶۲)، یا والی (غزنوی، ۱۳۸۸: ۳۰۶)، اداره می‌شده است. پس از فوت شیخ، در سال ۵۳۶ هـ.ق، «بر در دروازه‌ی معدآباد، در آن موضع که امروز تربت شیخ الاسلام نهاده‌اند»، وی را دفن نمودند (همان: ۲۹۵). مدارک و شواهد مکشوف از کاوش‌های باستان‌شناسی (طغرایبی ۱۳۸۲) مربوط به قرون پنجم و ششم هـ.ق. که هم‌زمان با حیات شیخ می‌باشد، به‌خوبی از فعالیت روستای معدآباد، در آن زمان حکایت دارد. متأسفانه، هیچ‌گونه شواهدی از آثار معماری مربوط به دوره‌ی سلجوقی در مجموعه شیخ جام و شهر امروزی تربت به‌چشم نمی‌خورد تا بتوان به‌نتایجی متقن دست یافت و غالب نظریات ارائه شده در مورد قدمت گنبدخانه و مسجد عتیق -از کهن‌ترین بخش‌های مجموعه شیخ- مربوط به عصر بعد از آن، یعنی دوره‌ی ایلخانان مغول، به‌ویژه حاکمان تحت‌فرمان آن‌ها، یعنی آل کرت می‌باشد؛ بنابراین، با توجه به‌مطالبی که بیان گردید، ده معدآباد و مدفن شیخ، کاملاً در جوار هم بوده و به تدریج مزار شیخ، روستای معدآباد را تحت‌الشعاع خویش قرار داده و از اهمیت مضاعفی برخوردار گردید و زمینه‌ی شکل‌گیری تربت‌جام را به‌وجود آورد.

حمله‌ی مغول به خراسان، نقطه‌ی عطفی در حیات سیاسی و فرهنگی شهرهای آن محسوب می‌شود. بسیاری از شهرها، در نتیجه‌ی تهاجم سپاه مغول، مورد تخریب

► نقشه ۲. محدوده تقریبی روستای معدآباد در دوره سلجوقی (نگارندگان ۱۳۹۴).



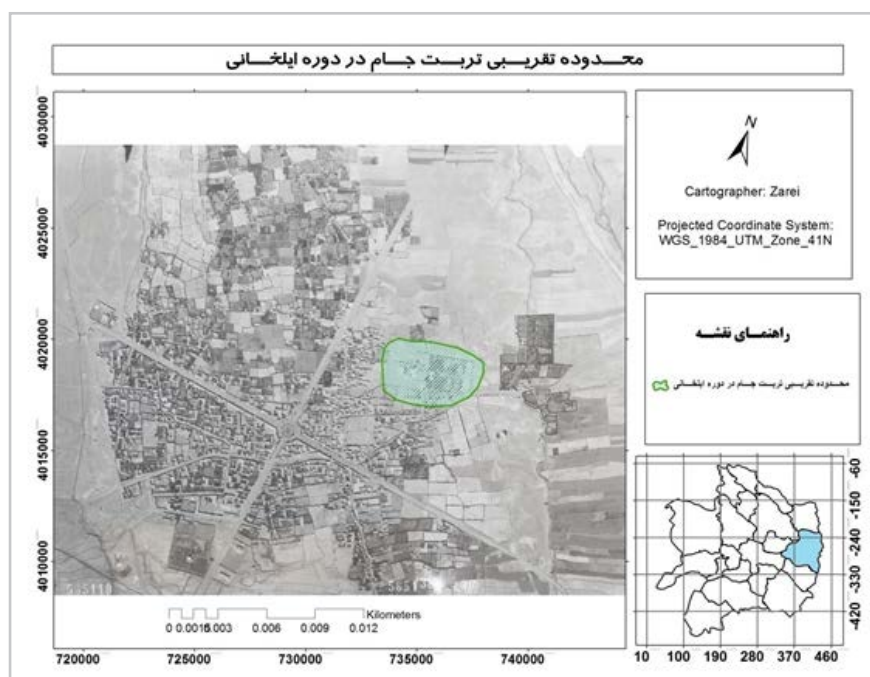
و ساکنان آن، مورد قتل و غارت فراوان واقع شد (جوینی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۱۸). چنین به نظر می‌رسد، روستای معدآباد در این زمان، هنوز هویت روستایی خود را حفظ نموده است. جایگاه معنوی مزار و خاندان شیخ، باعث گردید تا طی مراحل اولیه‌ی هجوم مغولان، آسیبی متوجه معدآباد نگردد و بنابه نوشته‌ی بوزجانی، بزرگان مغول به زیارت و صیانت از آن پرداختند (بوزجانی، ۱۳۵۴: ۸۲). این روند چندان ادامه نیافت و احتمالاً در دومین یورش مغولان به شهرهای خراسان، به فرماندهی «توجی»، پسر «چنگیز»، «لشکر مغول حصار معدآباد را گرفتند و [قتل] و غارت نمودند» (همان: ۹۷). تحولات تاریخی که در این دوره به وقوع پیوست، بیانگر این است که هرچند معدآباد، همچنان جایگاه مذهبی خود را حفظ نموده است؛ اما از نظر کالبدی و فیزیکی، مرحله‌ای از واپسگرایی را در نتیجه‌ی حملات مغولان، تجربه می‌نماید.

با روی کار آمدن «مغول‌آنان» مغول، ناحیه‌ی جام و مناطق همجوار آن، به پاس خدماتی، به «ملک شمس الدین کرت» (۶۴۳-۶۷۶ هـ.ق.) واگذار گردید (حافظ‌ابرو، ۱۳۸۶: ۱۱). امرای این سلسله، از مریدان طریقه‌ی تصوف و به‌خصوص پیرو طریقت شیخ احمد جام بودند و به‌همین دلیل، به آرامگاه شیخ و شهر تربت‌جام توجه خاصی مبذول داشتند. وزرا و ملوک آل کرت، به‌خصوص «امیر غیاث الدین کرت» (۷۰۷-۷۲۹ هـ.ق.)، ابنیه‌ی ممتاز بسیاری در این شهر تأسیس کردند که بعضی از آن‌ها هنوز هم وجود دارند و از شاهکارهای معماری ایرانی محسوب می‌شوند. در این دوره، شهر جام، به‌طور کامل جای شهر بوزجان را گرفت و آن شهر به‌تدریج، به‌صورت ویرانه‌ای درآمد و به‌دست فراموشی سپرده شد.

با توصیفاتی که در قرن هشتم هـ.ق. از شهر تربت‌جام صورت گرفته، آن‌را شهری متوسط و زیبا با قنات، چشمه‌ها و محصولات کشاورزی فراوان، یاد نموده‌اند (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۴۶۸؛ مستوفی، ۱۳۸۱: ۲۱۸). از نتیجه‌ی این اقدامات وسیع عمرانی حاکمان ایلخانی و به‌ویژه ملوک کرت، به‌جز در مجموعه‌ی تاریخی شیخ جام،

در سایر نقاط شهر، اطلاعاتی در دست نمی‌باشد. اقدامات عمرانی صورت گرفته در جهت توسعه‌ی مجموعه در بناهای به‌جای مانده، چون: گنبدخانه، مسجد عتیق، ایوان ورودی، مساجد گنبد سفید، کرمانی و خانقاه و مدرسه فریومدی، که همگی آن‌ها با نظارت مستقیم ملوک کورت و یا حمایت مالی آن‌ها ساخته شده، کاملاً نمودار است. احداث مساجد جامع، مدرسه و خانقاه، در این مجموعه، به‌خوبی بیانگر رشد جمعیت در این دوره می‌باشد. منابع و شواهد موجود، بیانگر گسترش تدریجی شهر در پیرامون مجموعه‌ی شیخ است که مرحله‌ی تدریجی از روستا به‌شهر را پشت‌سر گذرانده است. با این وجود، حصار معدآباد، موجودیت خود را حفظ نموده و جمعیت به‌خارج از قلعه و در جبهه‌های شرقی و جنوبی مجموعه شیخ جام، سکونت خویش را گسترش دادند (نقشه ۳).

با ظهور «امیر تیمور گورکانی» (۷۷۱-۸۰۷ ه.ق.)، سلسله‌های کوچک محلی در فلات ایران، برچیده شد و امپراتوری بزرگی شکل گرفت. فرزندان تیمور، هرات



نقشه ۳. محدوده‌ی تقریبی تربت‌جام در دوره‌ی ایلخانی (نگارندگان ۱۳۹۴).

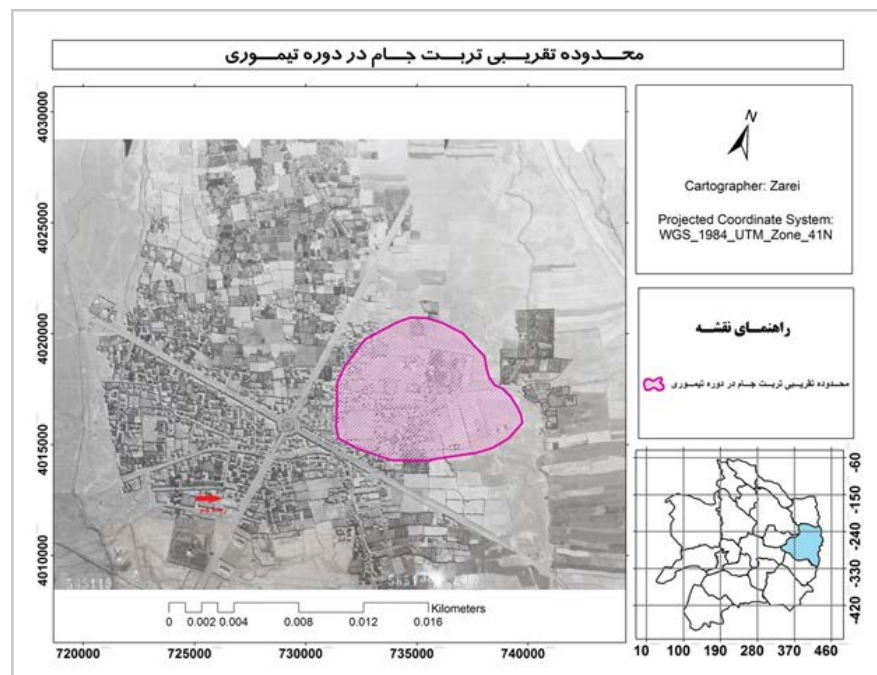
را پایتخت امپراتوری خود قرار دادند و مجاورت تربت‌جام با هرات، این شهر را در حوزه‌ی شهرهای اقماری هرات قرار داد. پادشاهان تیموری، از پیروان تصوف و عرفان بودند و به شیخ جام، ارادتی خاص داشتند و بارها به زیارت مزار شیخ رفتند و به تکریم خاندان جام و علمای این شهر پرداختند (سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۸۷۷؛ حافظ‌ابرو، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۱۳؛ همان، ج ۲: ۷۱۴)؛ امرایی، چون: «امیر فیروزشاه»، «امیر شاه ملک» و «امیر علی شیرنوی» وزیر دانشمند «سلطان حسین بایقرا»، در شهرجام و روستاهای اطراف، به تأسیس بناهای مهمی اقدام نمودند (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۶۵) که در آبادانی منطقه‌ی جام مؤثر بود. در این دوره، در مجموعه‌ی شیخ جام، بناهایی، چون: خانقاه‌های تیمور، مدرسه امیر شاه ملک (در حال حاضر اثری از آن‌ها موجود نیست)، مدرسه فیروزشاهی و مسجد نو، بنا نهاده شد. در خارج از مجموعه‌ی

شیخ جام نیز، رباط جام، مسجد و مقبره‌ی خواجه عزیزالله، بنا گردید. کیفیت و ساخت ابنیه موجود، بیانگر توسعه و آبادانی تربت‌جام بیش از قبل می‌باشد. شواهد موجود، اعم از ابنیه‌ی تیموری و پراکندگی سفال‌های مکشوف مربوط به این دوره، در فضای پیرامون مقبره‌ی خواجه عزیزالله (طغرای، ۱۳۹۰)، مبین توسعه‌ی کالبدی شهر به‌سمت جنوب، غرب و جنوب‌شرق مجموعه‌ی شیخ جام است؛ به‌عبارت دیگر، مسیر گسترش، همان تداوم دوره‌ی ایلخانی است، ولی با رشد و توسعه‌ی روز افزون. با مراجعه به نقشه‌ی ۴، می‌توان چنین احتمال داد که رباط جام، در دوره‌ی تیموری در حاشیه‌ی شهر واقع شده و به‌منظور جلوگیری از ازدحام و تردد، بارگیری و باراندازی در حاشیه‌ی آن، صورت می‌گرفته است و این امر، دلیل بر رشد و رونق اقتصادی بوده است؛ زیرا منطقه‌ی جام، در مسیر گذرگاهی سه شهر عمده و مهم خراسان، چون: مشهد، نیشابور و هرات، واقع شده بود و این امر، تردد بیشتر و یا مهاجرت و استقرار طوایفی به تربت‌جام و در نتیجه‌ی گسترش شهر را، در پی داشته است. تعدد مدارس، به‌عنوان مراکز فرهنگی-دینی و نیاز به مساجد جامع و محلی بزرگتر، از افزایش چشم‌گیر جمعیت در شهر جام حکایت می‌نماید (نقشه ۴).

در این زمان، زیارتگاه جام برای قرن‌ها، مرکز قدرت معنوی و اقتصادی باقی‌ماند و به جهت استقلال و نوع اعتقاد متولیان آن مشهور بود. علاوه‌بر آن، تربت شیخ جام، نه تنها مرکزی برای خاندان جام بود، بلکه پناهگاه همه نوع از شیوخ، از هرجایی بود و نخبگان حاکم می‌توانستند در آنجا بخشندگی دین مدارانه‌ی خود را با اطمینان به‌نمایش بگذارند (منز، ۱۳۹۰: ۳۱۲).

ب- دوره‌ی صفوی و قاجار

با ظهور دولت صفوی (۹۰۷-۱۱۳۵ هـ.ق.) و تأسیس سلطنت ملی واحد- و رسمی

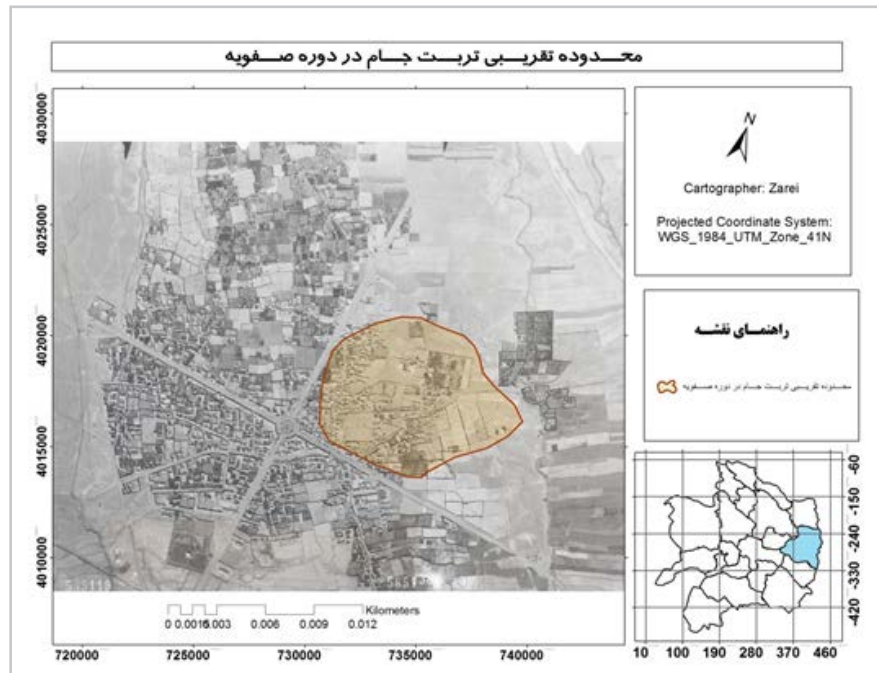


► نقشه ۴. محدوده‌ی تقریبی تربت‌جام در دوره‌ی تیموری و موقعیت رباط جام (نگارندگان ۱۳۹۴).

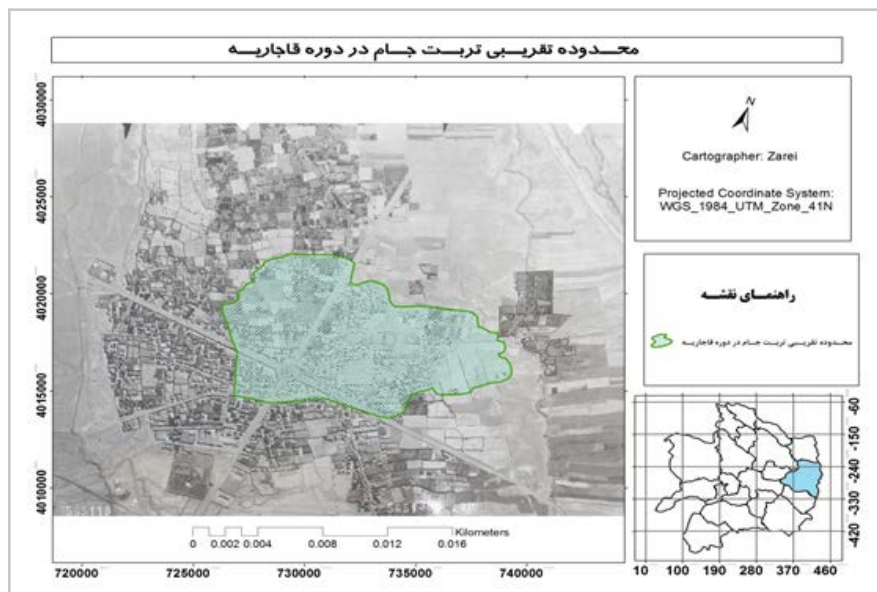
کردن مذهب تشیع و تبلیغ و ترویج آن، اعتبار خاندان جام که -حنفی مذهب- بودند، روبه زوال نهاد. تربت‌جام که قرن‌ها مرکزیت روحانی و دینی داشت، از اهمیت افتاد (بوزجانی، ۱۳۴۵: ۱۹). با این وجود، به‌خاطر واقع شدن در مسیر منزلگاه‌های مهم ارتباطی در شرق خراسان، هنوز از نظر سیاسی و نظامی حائز بود و ازبکان در حمله به خراسان، بارها تربت‌جام و نواحی آن را مورد قتل و غارت و چپاول قرار دادند (بدلیسی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۷۴؛ قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۸۳). این تهاجمات ویرانگر، با هجوم فرقه‌ی ابدالی - در اواخر این حکومت تکمیل گردید (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۲۱). عوامل فوق‌الذکر، همگی بیانگر این است که در این دوره، شهر تربت‌جام کمتر از حد انتظار، روند توسعه را پشت‌سر گذاشته است. گذشته از تهدیدات خارجی، نقش عوامل داخلی نیز، در این زمینه بسیار مؤثر بودند. تصمیم اولیه‌ی شاه عباس اول، در تخریب مجموعه‌ی شیخ جام به‌عنوان زیارتگاه -اهل تسنن- (گلمبک، ۱۳۶۴: ۲۴) و نگاه متفاوت نسبت به ساکنان حنفی‌نشین شهر، از جمله‌ی این موارد به‌شمار می‌رود. از دوره‌ی صفویه، آثار معماری چندانی به‌جای نمانده است. حصار ویرانه‌ی شهر که در اوایل این دوره، در محاصره‌ی سپاهیان ازبک -درآمده بود، روبه نابودی کامل رفت (نوایی، ۱۳۵۲: ۴). مطابق با کتیبه‌های موجود، کاشیکاری ایوان مجموعه و آب انبار مجاور مزار شیخ، از معدود اقدامات عمرانی به‌جای مانده از دوران شاه عباس اول می‌باشد. سکوت منابع تاریخی این دوره، در مورد سیمای شهری تربت‌جام، دلیل بر افول حیات شهری آن است. چه‌بسا تهاجمات پی‌درپی ازبکان و افانگه، فرصت هرگونه توجه به رشد و رونق را از این شهر گرفت؛ با این وجود، تربت‌جام با حفظ مرکزیت مجموعه بتاریخی شیخ و قلعه‌ی قدیمی آن، به‌سمت جنوب‌شرق و جنوب مجموعه گسترش یافت. پراکندگی سفال‌های آبی و سفید دوره‌ی صفوی (طغرایبی، ۱۳۹۰) در محدوده‌ی محله امروزی خواجه عزیزالله، بیان‌کننده‌ی این چنین امری است (نقشه ۵).

با شروع سلطنت قاجاریه در ایران، ایالت خراسان و شهرهای آن، به‌ویژه تربت‌جام، مورد تعرضات پی‌درپی قبایل ترکمن، قرار گرفت و پادشاهان اولیه این سلسله که اغلب توجه‌شان معطوف به مرزهای شمال‌غربی و جنگ‌های طولانی با امپراتوری روسیه بود، مرزهای شرقی مورد غفلت واقع شد. به‌همین جهت، تربت‌جام و روستاهای اطراف، به‌وسیله راهزنان ترکمن، غارت گردید و شهر تربت‌جام به‌عنوان مرکز ناحیه، به‌شدت آسیب دید.

منابع مکتوب و نقشه‌های مربوط به اوایل دوره‌ی پهلوی، روند توسعه‌ی شهر در دوره‌ی قاجار را به‌نحو گویاتری به تصویر کشیده‌اند. قلعه‌ی قدیمی شهر جام (قلعه معدآباد) که در جبهه‌ی غربی مجموعه‌ی تاریخی شیخ واقع شده بود، به مرور زمان و در پی تهاجمات مکرر ویران گردید و قلعه‌ی مستطیل‌شکل دیگری با برج و باروهایی که بناهای حکومتی شهر جام در آن واقع بود، در سال ۱۲۱۰ هـ.ق، در جبهه‌ی شرقی میدان مرکزی امروزی شهر ساخته شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۹۸۵)، (نقشه ۶)؛ به‌عبارتی ساخت و سازهای جدید از بافت قدیمی فاصله گرفت و در فضای پیرامون قلعه‌ی جدید متمرکز گردید. گسترش شهر که تا قبل از این به‌سمت جنوب و جنوب‌شرقی بود، در نتیجه‌ی احداث قلعه‌ی جدید متمایل به غرب و جنوب‌غربی شد و بدین ترتیب، به توسعه‌ی کمی شهر افزود. مهاجرت‌های



► نقشه ۵. محدوده تقریبی تربت‌جام در دوره‌ی صفویه (نگارندگان ۱۳۹۴).



► نقشه ۶. محدوده‌ی تقریبی تربت‌جام در دوره‌ی قاجاریه (نگارندگان ۱۳۹۴).

متعددی در این دوره صورت گرفت و هراتی‌ها، غوری‌ها، کوهستانی‌ها، قزاقی‌ها و تیموری‌ها، در کنار اهالی بومی جام ساکن شدند (کارکنان وزارت جنگ انگلستان...، ۱۳۸۰: ۲۱۸)؛ این امر، علاوه‌بر افزایش جمعیت شهر، باعث شکل‌گیری محله‌های جدید و توسعه‌ی محله‌های قدیمی شد.

علی‌رغم، اشاره به‌وجود بازار در منابع متقدم (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۰: ۲۷) و سفرنامه‌های دوره‌ی قاجاریه (گابریل، ۱۳۷۱: ۲۳۰)، هیچ راسته‌بازاری در شهر تربت‌جام دیده نمی‌شود و شهر نیز، از هیچ عنصر مشابه بازار در طول روند رشد و توسعه‌ی خود تبعیت نکرده و هیچ ردپای کالبدی نیز، در بافت وضع موجود رویت نمی‌گردد؛

بنابراین، بعید به نظر می‌رسد که تربت‌جام از نمونه‌ی شهرهایی باشد که در جوار یا امتداد یک راسته‌ی تجاری (بازار) شکل گرفته باشد؛ زیرا، به‌جز در منابع فوق، عکس‌ها و نقشه‌ها و منابع مکتوب دیگر، نشانه‌ای از وجود بازار ارائه نمی‌دهند.

ج- دوره‌ی پهلوی و دوره حاضر

بررسی سیر اقدامات و سیاست‌گذاری‌های انجام شده در دوره‌ی پهلوی اول، در زمینه‌ی معماری و شهرسازی، نشانگر دگرگونی‌های عمیق در روند تحولات معماری و شهرسازی است که به‌دنبال خود تغییرات زیربنایی و اساسی در جامعه را نیز، به همراه داشت. در واقع، این تحولات با ایجاد تغییرات زیربنایی در روش‌های سیستم اداری و تمرکز فعالیت‌های سیاسی، اداری و اقتصادی، در شهرها آغاز شد (بمانیان، ۱۳۸۵: ۱). با روی کار آمدن حکومت پهلوی، روند توسعه و آبادانی تربت‌جام نسبت به دوره‌ی قبل روبه گسترش نهاد و ساکنین شهر به اقدامات عمرانی گسترده‌ای در فضای خارج از قلعه‌ی قدیمی قاجاری پرداختند. در این دوره شهر تربت‌جام نیز، چون دیگر مناطق شهری ایران تحت‌تأثیر تحولات بین‌المللی و امنیت ایجاد شده در منطقه قرار گرفت و ادارات دولتی در این شهر تأسیس شد. ایجاد و توسعه‌ی نهادهای اجتماعی و خیابان‌کشی‌های مدرن، از آن جمله می‌باشند. بدیهی است، گشایش این ادارات، در روند رشد کلی شهر تأثیرگذار بودند.

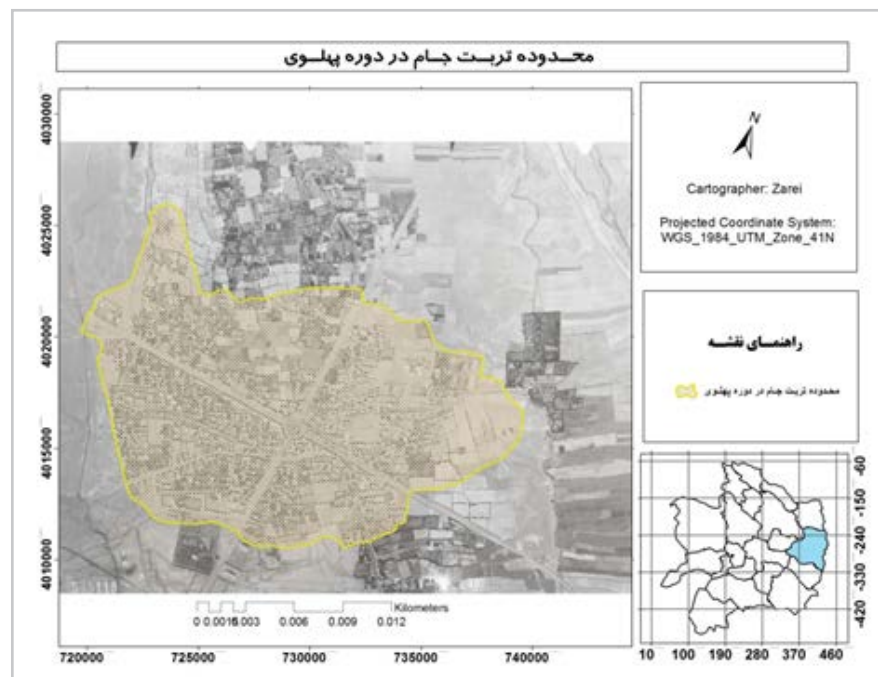
با تصویب «قانون بلدیة» در سال ۱۳۰۹ هـ.ق، اجرای نقشه‌ی خیابان‌ها در دستور کار قرار گرفت و دو خیابان چلیپایی، بافت کهن شهری را از هم جدا نموده و شالوده‌ی کهن ارتباطات، از هم گسسته گردید و سازمان محله‌ای، دچار آسیب جدی شد (حبیبی، ۱۳۸۷: ۳-۱۶۲). احداث خیابان‌های عمود برهم، بین دهه‌ی ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ هـ.ش، نه تنها منجر به جدایی فیزیکی محلات از یکدیگر شد، بلکه باعث تخریب گسترده‌ی بافت قدیمی دوره‌ی قاجار و به‌ویژه بخشی از قلعه، مربوط به آن دوره گردید.



نقشه ۷. نقشه شهری تربت‌جام در سال ۱۳۲۷ هـ.ش. (آرشیو شخصی نگارندگان). ◀

محدوده‌ی دقیق شهر، در اوایل دوره‌ی پهلوی با نقشه‌ی سال ۱۳۲۷ ه.ش. مشخص می‌شود. در این مرحله، با منطبق نمودن نقشه‌ی ۱۳۲۷ ه.ش. و عکس هوایی سال ۱۳۳۵ ه.ش. بر نقشه‌ی جامع شهری سال ۱۳۸۴ ه.ش.، محدوده‌ی شهر در سال ۱۳۳۵ ه.ش. مشخص و طبق نقشه‌ی ۷، گسترش شهر تا این سال معلوم گردید. در این مرحله، علاوه بر گسترش شهر به جوانب شرق، جنوب و جنوب‌شرق، شاهد توسعه‌ی آن به طرف شمال‌غرب، غرب و جنوب‌غرب نیز، هستیم که عامل آن، دو محور اصلی شهر یعنی خیابان‌های جامی و شهید بهشتی (مولانا) در جهت شمالی-جنوبی و میرقوام‌الدین (کشتارگاه) و المهدی (خراسان) در جهت شرقی-غربی هستند که یکدیگر را در مرکز شهر قطع می‌نمودند و تأسیس ساختمان‌های جدید اداری در امتداد خیابان المهدی و مولانا بود؛ با این وجود، هنوز شهر توسط باغ‌ها و اراضی پیرامون آن محدود شده بود. بقایای قلعه‌ی قاجاری هنوز پابرجا بود و در سمت شمال شرقی میدان مرکزی کنونی قرار داشت (نقشه ۸). مهم‌ترین محلات تربت‌جام در این تاریخ: محلات شیخ جام، محله‌ی بُنکدارها، محله خواجه‌ها، کوچه مزار، محله‌ی معدآباد، محله‌ی پیر و محله ترکمن‌ها، بوده است.

براساس مقایسه‌ی عکس‌های هوایی سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۴۸ ه.ش.، شهر از رشد نسبتاً بیشتری برخوردار بوده و وسعت آن به حدود ۱۲۵ هکتار افزایش یافت. تمرکز فعالیت‌های شهری پیرامون میدان مرکزی در بافت قدیم شهر، تراکم بافت مسکونی در جنوب خیابان‌های کشتارگاه و المهدی، توسعه‌ی کاربری‌های شهری در خیابان‌های مخابرات (ایثار) و نظامی، شکل‌گیری خیابان حافظ و قاضی‌زاده، نشانه‌ای از رشد فزاینده‌ی شهری در این سال‌ها است. در این دوره، محلات: حمام، اسماعیل‌آباد، مخابرات و معدآباد، در نیمه‌ی جنوبی شهر و محلات: کاسب‌ها، خواجه‌ها، عسکری و مزارش‌خیخ، در نیمه‌ی شمالی شهر و نیز، محلات: کوثری و نظامی، در ربع جنوب‌غربی، شکل گرفته و نوسازی شدند.



► نقشه ۸. محدوده‌ی تربت‌جام در سال ۱۳۳۵ ه.ش. (نگارندگان ۱۳۹۴).

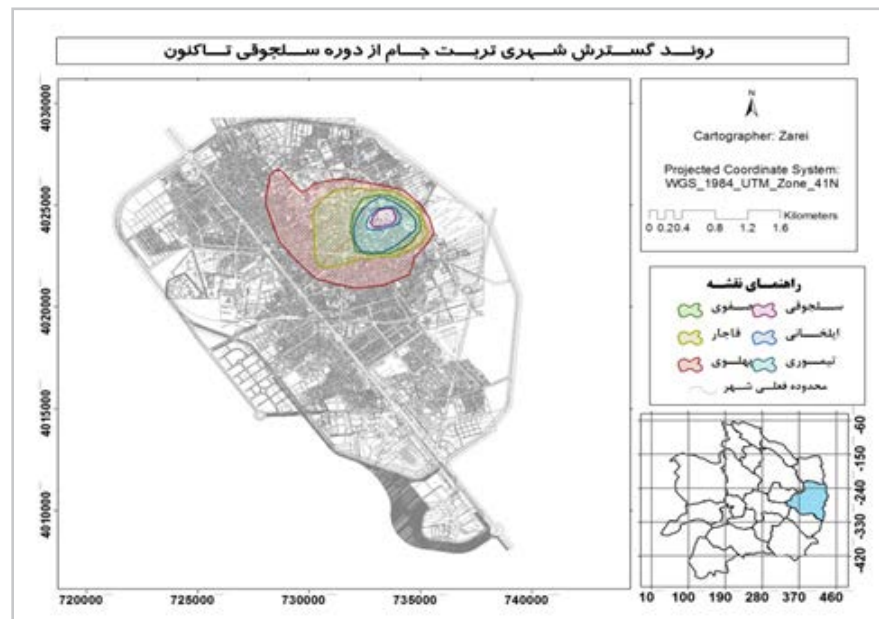
با توجه به عکس هوایی سال ۱۳۶۲ ه.ش. سازمان شهری تربت‌جام، به ساختار کنونی خود نزدیک شده است. محلاتی که در شرح تصویر سال ۱۳۴۸ ه.ش. ذکر گردید، ساختار کامل خود را یافته‌اند و محدوده‌ی مزارش‌یخ، شکل امروزی خود را گرفته و خیابان‌های پرتردد و فعال شهر مشخص شده‌اند. استخوان‌بندی شهر از دو محور عمود برهم و به سمت جاده‌ی «سنتو»، گرایش پیدا نموده و بدین ترتیب محور بلوار امام شکل گرفته است. شهر فعالیت‌های اصلی خود را به برهه‌های خارجی محلات هدایت کرده و حضور بازار در هسته‌ی مرکزی شهر (میدان امام، کنونی) محسوس می‌باشد. بلوار امام، در تقابل با محورهای داخلی شهر ساختار شهر را از حالت متمرکز خارج کرده است و آن‌را به سمت خود کشیده است. در این سال‌ها، شهر در دو سوی این محور آغاز به گسترش نمود و امتداد خیابان طالقانی و میدان جمهوری اسلامی و فلکه شاد، در این سال‌ها شکل گرفتند؛ علاوه‌بر محلاتی که از قبل وجود داشته‌اند، محلات بیست متری، فرهنگیان، محله‌ی جدید: ترکمن‌ها، پشت شهرداری، منبع آب، بُنکدارها و کشتارگاه، شکل گرفته و یا نوسازی شده‌اند و هم‌زمان، ساختار محلات یحیی‌آباد سفلی و خواجه عزیزالله، در حال شکل‌گیری بود.

آخرین قسمت این بخش، بررسی نقشه‌ی آماری سال ۱۳۷۵ ه.ش. و وضعیت شهر تربت‌جام در این سال است. در این زمان، شهر ۱۱۷۲ هکتار وسعت داشته است و تحت‌تأثیر بلوار امام که در راستای جاده‌ی سنتو، قرار گرفته، مناطق «بالا جام» و «میان جام» و «پایین جام» شهر، امتداد پیدا کرده که از شمال غرب به سوی جنوب شرق کشیده می‌شود. ساختار شبکه‌ای منظم در محدوده‌ی خارج از باغ‌ها و در امتداد بلوار امام، نشان‌دهنده‌ی ساخت‌وساز منظم و کنترل شده در مناطق توسعه یافته‌ی این محور می‌باشد. شکل‌گیری محلات: مستضعفین، یحیی‌آباد علیا، عیدی‌آباد، عضن‌آباد، خیرآباد، اسماعیل‌آباد و کوچه باغ‌ها، در طول سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۵ ه.ش. صورت قطعی به‌خود گرفته است. شهر، در این دوره دارای طرح جامع و تفصیلی بوده و اغلب ساخت‌وسازها تحت کنترل صورت می‌گرفته است. (سازمان مسکن و شهرسازی خراسان ۱۳۷۷)، (نقشه ۹).

نتیجه‌گیری

شهر تربت‌جام، روند شکل‌گیری خود را از قرن پنجم ه.ق. در روستای معدآباد آغاز نمود و پس از رشد تدریجی در قرون هفتم و هشتم ه.ق. هویت شهری خود را پیدا کرد. قلعه‌ی تاریخی معدآباد، طی قرون متمادی از دوره‌ی سلجوقی تا اوایل قاجار، مرکزیت خود را حفظ نمود و با روی کار آمدن سلسله‌ی قاجار، جای خود را به قلعه‌ی جدیدی داد. عامل اصلی مؤثر در توسعه‌ی شهری تربت‌جام، وجود آرامگاه شیخ جام و نفوذ دینی و روحانی اعقاب و احفاد شیخ احمد، و تردد حاکمان و امیران و مریدان، به آن منطقه بوده است. شواهد و مدارک باستان‌شناسی، منابع مکتوب و تحلیل داده‌های به‌دست آمده از نقشه‌ها، مبین اوج توسعه‌ی شهری تربت‌جام در دو دوره‌ی تیموری و پهلوی است.

مجاورت و نزدیکی تربت‌جام با شهر هرات در عصر تیموری و توجه ویژه‌ی سلاطین، بزرگان و امیران آن دوره به خاندان جام و تکریم آن‌ها و همچنین فعالیت‌های



► نقشه ۹. روند گسترش شهری تربیت جام از دوره سلجوقی تا عصر حاضر (نگارندگان ۱۳۹۴).

عمرانی گسترده‌ای که توسط هیأت حاکمه در مجموعه‌ی شیخ و پیرامون آن انجام گرفت؛ دلیل بر اهمیت شهر به لحاظ سیاسی و مذهبی بوده است. احداث بناهایی مذهبی و غیر مذهبی، چون: بازار، مساجد جامع و محلی، مدارس، کاروانسراها، خانقاه‌ها و سایر ابنیه‌ی عام‌المنفعه، ناشی از توجه وافر به شهر و در نتیجه منجر به آبادانی و رشد و رونق آن، و در نهایت پذیرای خیل عظیمی از اقشار مختلف گردید و بوزجان، به صورت یکی از روستاهای تحت نفوذ تربیت جام درآمد. سیاست‌ها و برنامه‌های شاهان تیموری، به‌ویژه تیمور و فرزندش شاهرخ در جهت رشد و رونق اقتصادی و تجارت در احداث جاده‌ها و کاروانسراها که زمینه‌ی امنیت بازرگانان را به دنبال داشت، به‌خوبی هویداست. احداث رباط در تربیت جام، در مسیر راه هرات به نیشابور دلیل بر این مدعاست. تعیین حکام تربیت جام، به‌عنوان والیان منطقه از بین خاندان جام و گماشتن برخی از آن‌ها به مقام صدارت، عامل مهم دیگری در رشد و توسعه‌ی شهر در تیموری محسوب می‌شود. گرایش ویژه‌ی سلاطین تیموری به طریقت عرفانی شیوخ صوفیه، به‌ویژه شیخ جام و تأیید و مشروعیت متولیان مجموعه‌ی شیخ از ناحیه‌ی حکومت، به‌علاوه احداث خانقاه در این ناحیه، از دلایل دیگر توسعه و آبادانی شهر است.

در دوره‌ی قاجاریه، به‌علت حملات گسترده‌ی ترکمانان و نزاع‌های منطقه‌ای شهر، توسعه‌ی چندانی نیافت و کم‌توجهی نسبت به چگونگی نظام شهری را به دنبال داشت. در دوره‌ی پهلوی، به‌علت تجدد و نوگرایی، شهر نقابی از تجدد را بر چهره کشید و با تأکید بر نظام شهری مبتنی بر غرب‌گرایی، سازمان فضایی-کالبدی کهن مورد دگرگونی واقع می‌شود و با احداث خیابان‌های چلیپایی و ساخت‌وسازهای مدرن، بافت کهن شهری مورد تهدید قرار گرفت؛ از طرف دیگر، با تعیین تربیت جام به‌عنوان مرکز بخش شهرستان، شهر توسعه‌ای همه جانبه یافت و بیشترین توسعه را تا قبل از این نصیب خود گردانید. طی دهه‌های نخستین حاکمیت پهلوی، شهر روند توسعه‌ی تدریجی خود را در طول مسیر خیابان‌های ایجاد شده به سمت

شمال غرب، غرب و جنوب غربی پیمود. در نتیجه‌ی مهاجرت عمده نیروهای آزاد از روستا به شهر و گسترش ساختمان‌ها و نهادهای دولتی، طی دهه‌ی سی تا دهه‌ی ۱۳۵۰ هـ.ش، زمینه شکل‌گیری و توسعه‌ی محلات جدید در این قسمت فراهم شد و بر امتداد خیابان‌های امروزی جامی، مولانا و المهدی، افزود و شهر بیش از پیش گسترش یافت.

عوامل طبیعی، چون رودخانه‌ی جام‌رود و آبرفت‌های حاصل از این رودخانه، به‌عنوان عامل با اهمیت دیگر، نقش مهمی در شکل‌گیری شهر ایفا نموده است. رودخانه‌ی جام‌رود با حفظ فاصله‌ای، از شمال شرق تربت‌جام که هسته‌ی اولیه شهر در آن‌جا واقع بود، عبور نموده و آن‌را مشروب می‌نموده است. طغیان فصلی رودخانه و جریان سیل، می‌توانست عامل تهدید کننده‌ای برای شهر باشد؛ عامل مذکور و نیز، احداث قنات‌ها به موازات شیب ملایم دشت و رودخانه‌ی جام در جهت بخشی و توسعه‌ی شهر از شرق به غرب و جنوب، نقش مؤثری داشته است. محور ارتباطی و نقطه‌ی تلاقی شاهراه‌های تجاری و نظامی در مسیر شهرهای هرات، مشهد و نیشابور، از دیگر عوامل مؤثر بر توسعه‌ی تربت‌جام بود. در پایان، می‌توان حضور و سکونت شیخ احمدجامی و دفن وی، در تربت‌جام، شرایط جغرافیایی، اقلیمی و طبیعی منطقه و موقعیت ارتباطی و محوری شهر را به‌عنوان مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری و توسعه‌ی تربت‌جام قلمداد نمود.

کتابنامه

- ابن بطوطه، محمد بن عبد الله، ۱۳۷۶، *سفرنامه ابن بطوطه*، ترجمه: موحد ابطحی، تهران: آگه.
- ابن رسته، احمد بن عمر، ۱۸۹۲، *الأعلاق النفیسه*، بیروت: دار صادر.
- ابن فقیه، احمد بن محمد، ۱۴۱۶، *البلدان*، تصحیح: یوسف الهادی، ج ۱، بیروت: عالم الکتب.
- ابوالفداء، ۱۳۴۹، *تقویم البلدان*، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- احمد جام، ۱۳۴۷، *مفتاح النجات*، تصحیح: علی فاضل، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان، ۱۳۶۷، *مرآة البلدان*، تصحیح: عبدالحسین نوایی و هاشم محدث، ج ۴، تهران: دانشگاه تهران.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، ۱۳۶۳، *مطلع الشمس*، ج ۳، به اهتمام: برهان لیموده‌ی، تهران: فرهنگسرا.
- افوشته‌ای نطنزی، محمود بن هدایت الله، ۱۳۷۳، *تقاوه‌ی الآثار فی ذکر الاخیار فی تاریخ الصفویه*، مصحح: احسان اشراقی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی چ دوم.
- بدلیسی، شرف‌خان، ۱۳۷۷، *شرفنامه*، مصحح: ولادیمیر ولیامینوف، تهران: اساطیر.
- بمانیان، محمدرضا، ۱۳۸۵، «عوامل مؤثر بر شکل‌گیری معماری و شهرسازی در دوره‌ی پهلوی اول»، *مدرس هنر، پاییز و زمستان*، ش ۱، صص ۸-۱.
- بوزجانی، درویش علی، ۱۳۴۵، *روضه الریاحین*، به کوشش: حشمت موید،

- تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- جوینی، علاء الدین عطا ملک بن بهاء الدین محمد بن محمد، ۱۳۸۵، *تاریخ جهانگشای جوینی*، مصحح: محمد قزوینی، تهران: دنیای کتاب، چ چهارم.
- حافظ‌ابرو، ۱۳۷۰، *جغرافیای تاریخی خراسان در تاریخ حافظ ابرو*، تصحیح: غلامرضا وره‌رام، تهران: اطلاعات.
- حافظ‌ابرو، ۱۳۸۰، *زبده‌ی التواریخ*، مصحح: سید کمال حاج سیدجواد، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ اول.
- حافظ‌ابرو، ۱۳۸۹، *تاریخ سلاطین کرت*، تصحیح: میرهاشم محدث، تهران: میراث مکتوب.
- حبیبی، سید محسن، ۱۳۸۷، *از سار تا شهر*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ هشتم.
- حموی بغدادی، یاقوت، ۱۳۸۳، *معجم البلدان*، ترجمه: علی نقی منزوی، ج ۲، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- خانیکوف، نیکولای ولادیمیروویچ، ۱۳۷۵، *سفرنامه خانیکوف*، مترجمان: اقدس یغمایی و ابوالقاسم بی‌گناه، مشهد: آستان قدس رضوی، چ اول.
- خاوری شیرازی، میرزا فضل‌الله، ۱۳۸۰، *تاریخ ذوالقرنین*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ اول.
- خسروی، خسرو، ۱۳۷۵، «ذیل مدخل تربت»، *دانش‌نامه‌ی جهان اسلام*، ج ۶ زیر نظر: غلامعلی حدادعادل، تهران: بنیاد دایره‌ی المعارف اسلامی.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین حسینی، ۱۳۳۳، *تاریخ حبیب السیر*، زیر نظر: محمد دبیرسیاقی، ج ۳، تهران: خیام.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین حسینی، ۱۳۷۲، *مآثر الملوک*، تصحیح: میرهاشم محدث، بی‌جا، رسا، چ اول.
- رکن الدوله، ۲۵۳۶، *سفرنامه*، به کوشش: محمد گلبن، تهران: سحر.
- سازمان مسکن و شهرسازی استان خراسان، ۱۳۷۷، *طرح جامع تربت‌جام (برداشت وضع موجود)*، مرحله اول، ج ۳، بهمن ماه.
- سلطان‌زاده، حسین، ۱۳۷۷، *معماری و شهرسازی ایران به روایت شاهنامه فردوسی*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سمرقندی، کمال الدین عبد الرزاق، ۱۳۸۳، *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، تصحیح: عبدالحسین نوایی، ج ۳، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چ اول.
- سیفی‌هروی، ۱۳۸۳، *تاریخ‌نامه هرات*، تهران: انتشارات اساطیر، چ اول.
- شیروانی، زین العابدین بن اسکندر، ۱۳۳۹، *ریاض السیاحه‌ی*، تصحیح و تنظیم: حامدی ربانی، ج ۱، تهران: سعدی.
- صابر مقدم، فرامرز، ۱۳۸۳، *مجموعه معماری-آرامگاهی مزار شیخ جام*، تهران: سنبله.
- طغریایی، محمود، ۱۳۸۲، «گزارش پیگردی باستان‌شناسی پشت ایوان غربی سراچه فریومدی مجموعه‌ی شیخ جام»، اداره کل میراث فرهنگی خراسان، معاونت پژوهشی (منتشر نشده)

- طغرایبی، محمود، ۱۳۹۰، «گزارش نظارت بر عملیات خاک‌برداری اداره آب و فاضلاب تربت‌جام در محدوده‌ی محوطه تاریخی خواجه عزیزالله»، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان خراسان رضوی (منتشر نشده)
- غزنوی، سدیدالدین محمد، ۱۳۸۸، *مقامات زنده پیل*، به اهتمام: حشمت موید، تهران: علمی فرهنگی.
- قزوینی، میرزا محمد طاهر وحید، ۱۳۸۳، *تاریخ جهان‌آرای عباسی*، تصحیح: سید سعید میرمحمد صادق، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چ اول.
- کارکنان وزارت جنگ انگلستان مستقر در هندوستان، ۱۳۸۰، *فرهنگ جغرافیایی ایران، خراسان*، ترجمه: کاظم خادمیان، مشهد: بنیاد پژوهش‌های استان قدس رضوی، چ اول.
- گابریل، آلفونس، ۱۳۷۱، *عبور از صحاری ایران*، ترجمه: فرامرز نجد سمیعی، مشهد: انتشارات استان قدس رضوی، چ اول.
- گلمبک، لیزا، ۱۳۶۴، «دوره‌های ساختمانی مجموعه تاریخی تربت شیخ جام»، *اثر*، شماره ۱۰ و ۱۱، صص ۱۶-۵۷.
- مرعشی صفوی، میرزا محمد خلیل، ۱۳۶۲، «مجمع التواریخ»، تصحیح: عباس اقبال آشتیانی، تهران: کتابخانه‌ی طهوری و سنایی، چ اول.
- مقدسی، أبو عبد الله محمد بن أحمد، ۱۳۶۱، *أحسن التقاسیم*، ترجمه: علی نقی منزوی، ج ۲، تهران: شرکت مولفان و مترجمان، چ اول.
- منز، بئاتریس فوربز، ۱۳۹۰، *قدرت، سیاست و مذهب در ایران عهد تیموری*، ترجمه: جواد عباسی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، چ اول.
- مولوی، عبدالحمید، ۱۳۵۴، *آثار باستانی خراسان*، ج ۱، مشهد: انجمن آثار ملی.
- نوایی، عبدالحسین، ۱۳۵۲، *شاه عباس*، مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- هدایت، رضا قلی‌خان، ۱۳۷۳، *فهرس التواریخ*، تصحیح: عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چ اول.
- وحید قزوینی، میرزا محمد طاهر، ۱۳۸۳، *تاریخ جهان‌آرای عباسی*، تصحیح: سید سعید میرمحمد صادق، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چ اول.
- یزدی، شرف‌الدین علی، ۱۳۸۷، *ظفرنامه*، تصحیح: سید سعید میرمحمد صادق و عبدالحسین نوایی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چ اول.
- بیت، چارلز ادوارد، ۱۳۶۵، *خراسان و سیستان*، *سفرنامه کنل بیت به ایران و افغانستان*، ترجمه: قدرت‌الله روشنی، تهران: یزدان.